



عباس محمدی اصل

آسیب شناسی زنان در ایران معاصر



گریخته و روزانه ۱ دختر فراری مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرد (روزنامه ایران، ۱۳۷۹/۱۱/۱۷) و در سال ۱۳۷۹، ۹۰ درصد دختران زیر ۱۸ سال که به جرم بزهکاری دستگیر شده اند، جزو دختران فراری اند (روزنامه ایران، ۱۳۷۹/۱۰/۲۱). مع هذا این همه در حالی است که طی این سال ها، وضعیت زنان ایرانی در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه یا همسایه، نامطلوب گزارش شده؛ چنان که هر چند نرخ مشارکت زنان نسبت نرخ مشارکت مردان در ایران یک پنجم است در عربستان این شاخص یک چهارم است. یا در حالی که شاخص تعداد سال های فقدان سلامت در انتظار به هنگام تولد... برای زنان ایرانی ۱۳/۲ گزارش شده است، این شاخص در سومالی، مصر و افغانستان به ترتیب برابر ۷/۵، ۱۰/۸ و ۸/۱ سال است. این شکاف جنسیتی در برخی حوزه ها، مانند آموزش و پرورش و اشتغال نیز که طی سال های اخیر زنان موقعیتی به مراتب بهتر از گذشته کسب کرده اند، مشاهده می شود. (مدنی، بهار ۱۳۸۳: ۹)

پرونده های مخومه طلاق از ۹۸۳۹ مورد در سال ۱۳۷۳ به ۱۳۳۶۱۳ مورد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته (صوفی مجیدپور، بهار ۱۳۸۳: ۸۷). در سال ۱۳۷۹ فحشا در بین جوانان و از جمله دانش آموزان دختر ۶۳۵ درصد بالا رفته (روزنامه ایران، ۱۳۷۹/۶/۱۵: ۱۶) هر هفته ۳۵ دختر از سراسر کشور از خانه

روند تغییر شاخص های مربوط به عرصه های گوناگون زندگی انسانی. اجتماعی زنان طی سالیان پس از انقلاب در ایران، نشانگر وضعیتی ظاهرا دو گانه است. از یک سو طی این سال ها روند برخی شاخص های مربوط به زنان از وضعیت مثبتی برخوردار شده است، چنان که به عنوان مثال نرخ باروری از ۵/۹ در سال ۱۳۶۷ به ۲/۶ در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته (مرکز آمار ایران، ۸۰-۱۳۶۸). در سال های تحصیلی ۱۳۷۶-۷۷ و ۱۳۷۷-۷۸ نسبت دانشجویان زن در دانشگاه ها، مراکز آموزش عالی و دانشگاه آزاد اسلامی به ترتیب برابر با ۳۹/۱ درصد و ۴۳/۴ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹). نسبت نیروی کار زنان به کل نیروی کار از ۸/۹ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱۴/۵ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده (مرکز آمار ایران، ۸۰-۱۳۶۸). نرخ مشارکت زنان... از یک هفتم نرخ مشارکت مردان در سال ۱۳۷۵ به یک پنجم نرخ آن در سال ۱۳۸۰ رسیده (مدنی، بهار ۱۳۸۳: ۹) و ۴۴ درصد رای دهندگان انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ از بین زنان بوده اند. (محمدی اصل، خرداد - مرداد ۱۳۸۳: ۱۲۹) از طرف دیگر نیز شاخص های مربوط به وضعیت آسیب شناختی زنان و روند برخی نابسامانی های اجتماعی آنان در مواردی چون خشونت خانوادگی، طلاق، اعتیاد، قاچاق زنان و دختران، فقر، تن فروشی، دختران فراری، کاهش سن فحشا و اختلالات روانی. رفتاری زنان رو به فزونی نهاده است؛ چنان که به عنوان مثال

در سال های گذشته
شاخص های مربوط به
آسیب های زنان فزونی
گرفته است

پرتال جامع علوم انسانی



اینک با توجه به ماهیت و الگوی مشکلات و آسیب های وارده به زنان در ایران پس از انقلاب، سوال این است که آیا می توان روند مثبت توسعه جنسیتی در این کشور را به فرض قبول تعاریف، روش ها و آمار و ارقام گزارش توسعه انسانی ایران، نشانه ای بر عدم صحت آمار مربوط به شاخص های آسیب شناختی آنان دانست و یا این که باید به وجود دو ساحت جداگانه فراز و فرود توسعه و عقب ماندگی

جنسیتی در ایران پس از انقلاب حکم داد؟ به علاوه می‌توان از خود پرسید آیا روند صعودی برخی از شاخص‌های توسعه جنسیتی در ایران، طبیعتاً و ضرورتاً با روند نزولی برخی دیگر از همین شاخص‌ها همبندی دارد یا این روندهای ناموزون، محصول عدم تعادل‌های منطقه‌ای در توزیع جغرافیایی امکانات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در سطح کشور است که چنین به ناهمگنی توزیع فضای شاخص‌های مثبت و منفی توسعه جنسیتی انجامیده است؟ بالاخره می‌توان سوال کرد آیا افزایش شاخص‌های مربوط به آسیب‌های زنان در ایران، نشانه‌ای از انحطاط وضعیت و موقعیت اجتماعی است و به عبارتی آیا این شاخص‌ها نشانه توسعه نیافتگی جنسیتی به شمار می‌آید یا این که این پدیده‌ها نشانه نوسانات حادث در روند توسعه جنسیتی بوده و الزماً عقب‌ماندگی جنسیتی را تداعی نمی‌کند؟

در پاسخ‌یابی برای چنین سوالاتی، بنوا دو فرض به ذهن خطور می‌کند. از یک سو فرض بر این است که اگر جامعه به مثابه یک کلیت در نظر گرفته شود، روند رشد برخی از این نابسامانی‌ها می‌تواند طبیعی و بهنجار و جزو هزینه‌های گذار اجتماعی معاصر ایران تلقی شود. به عبارت دیگر اگر جامعه را مجموعه‌ای از مناسبات، نهادها و سازمان‌های اجتماعی مرتبط با یکدیگر تعریف کنیم؛ می‌توانیم وجود روندهای متناقض در آن را در پرتو دگرپسویی و انتروپویی‌های کلی جامعه توضیح دهیم. مع‌هذا از طرف دیگر این فرض بدیهی به نظر می‌رسد که دوگانگی ناشی از روند رشد مثبت شاخص‌های مزبور، تحت شرایط تمرکز قدرت و در واکنش بنیادگرایانه به تحولات دوران گذار جامعه عمده می‌شود. به عبارت دیگر به جز کارگزاران آماري - تبلیغاتی قدرت حاکمه کسی از این امکان عام و گسترده برخوردار نیست که به صرف اتکا به دیدگاه‌های انتقاد آمیز و بی‌اعتنا به مغالطه‌های تحلیلی رسانه‌ای - هنجاری، سوالاتی از این دست را مطرح کند که در صورت بسط تعاملات و پیوندهای مدنی، چرا شاخص طلاق به مثابه مظهری از سستی نهاد خانواده رو به فرونی نهاده؟ به چه دلیل نتیجه از تقایط سطح آموزش بر حسب روند مثبت شاخص‌های آموزشی نظیر رشد تعداد دانشجویان دختر و نسبت فضای آموزشی و استاد به آنها در

کاهش پرونده‌های دعاوی خانوادگی تجلی نکرده است؟ چرا نسبت افزایش میزان خودکشی زنان با بهبود شاخص امید به زندگی آنان ناهمخوان است و ارتباط افزایش درآمد سرانه زنان با افزایش بی‌نشاطی و افسردگی و اعتیاد آن چه نسبتی به هم می‌رساند؟ چرا در عین کاهش باروری و امکان بیشتر والدین برای تربیت فرزندان، بر تعداد دختران فراری از خانواده‌ها افزوده می‌شود؟ و چرا با کاهش تعداد فرزندان به عنوان فرصت مغتنم برای مهرورزی زن و شوهر، بر شدت خشونت خانوادگی خصوصاً علیه زنان افزوده می‌شود؟

اگر این دو فرض پذیرفته شود، آن گاه پاسخ به سوال از

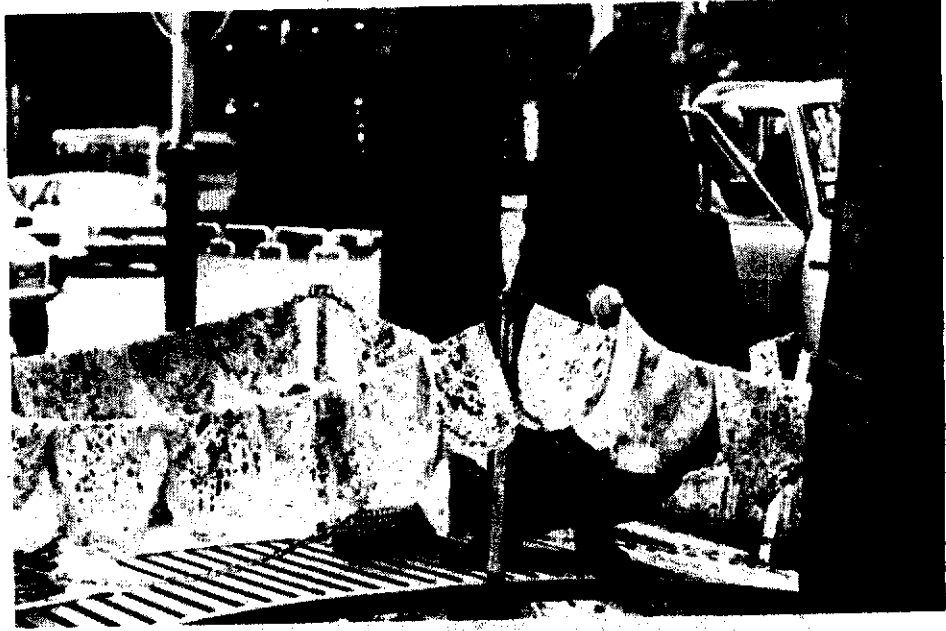
چرایی تجلی ناهمگون حضور اجتماعی زن در فرایند توسعه ایران معاصر به این صورت قابل طرح خواهد بود که میان تمایل قدرت متمرکز منفعل ایران در امر توسعه جنسیتی ملهم از جهانی شدن و نیز غیر اخلاقی نشان دادن اثرات طبیعی آن نظیر آسیب‌های

وضعیت زنان ایرانی در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه و یا همسایه نامطلوب گزارش شده است

شخصیتی زنان به عنوان سرپوش ناکارآمدی مدیریت کلان جامعه در عین فخر فروشی به رشد شاخص‌های مثبت آن رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر در توضیح این فرضیه می‌توان گفت دولت نظام قدرت در ایران معاصر، درصدد تحکیم پایه‌های سلطه بی‌چون و چرای نگاه حاشیه‌ای و اقلیت سالارانه خویش بر کل جامعه و نظام جهانی برآمد و در این میان از هیچ امکاناتی حتی کاربرد ابزاری شکاف نیمه

فعال جنسیتی جامعه هم برای تحقق منویات سیاسی خویش فرو گذار نکرد. مع‌هذا اشکال آنجا بود که دوران تعمیم فرایند جهانی شدن، این نظام قدرت را به یکی از کنشگران منفعل و استراتژیک بین‌المللی تبدیل می‌کرد که از یک سو بایستی علیرغم کلیه محدودیت‌های سنتی، به کارگزاری تفکیک‌پذیری جنسیتی در راستای تحقق توسعه ملی تن در دهد و از طرفی برای حفظ خاستگاه بومی اعمال سلطه خویش، درصدد جامعه‌پذیری مردسالارانه دانش‌آموزان دختر و پسر یا همایند‌نمایی استقلال مالی زن با افزایش فشارهای روحی آنان و نارضایتی از زنان و نیاز گسترده‌تر زنان به حمایت شوهران بپردازد (محمدی اصل، ۱۳۸۳) و یا از در نفی اخلاقی پایمال شدن عدالت آسمانی در عرصه تفکیک‌پذیری جنسیتی در آید. در این میان اما توسعه جنسیتی متضمن آن گونه از تفکیک‌پذیری تعلقات شخصیتی زنان و مردان جامعه در عرصه عضویت‌های متعدد و متنوع گروهی و جمعی و نهادی و سازمانی بر حسب ایفای نقش‌های تخصصی است که در نتیجه، حضور اجتماعی آنان را از حیث تخصیص درآمد و قدرت در متن تعهدات





زنانه نسبت به شرایط اجتماعی بنمایاند. بلکه تلاش کرد با نگاهی اخلاقی، این آسیب‌ها را اولاً در سطح شخصیتی و ذاتی و روانی به توجیه بنشیند و ثانیاً با ترویج این نگاه، بحران اخلاقی جامعه را در جهت نفی اثرات و ضرورت تحقق توسعه جامعه تهییج سازد تا در موقع لزوم از امواج مردم انگیز آن چنان حربه‌ای علیه فرایند جهانی شدن و تحکیم سلطه توده‌ای خود بر جامعه سود برگیرد.

در این جا است که اینک زنان جز به یاری خودآگاهی اجتماعی از جلوه‌های رنگارنگ بتگر عیار و سیاست‌باز قدرت یک جانبه از بالا به پایین و سلطه‌جو بر خویش، نخواهند توانست از چهار چوب‌های محدود کننده سیاسی - اجتماعی حاکم بر خودرها شوند؛ خودآگاهی‌ای که تنها به مدد ایفای نقش‌های تخصصی اجتماعی و کسب امکان چانه‌زنی بر سر مطالبات مدنی مرتبط با آن به دست آمده و تا سر حد تساوی گرایین جنسیتی جامعه پیش رفته و امکانی جدید از توسعه پایدار جنسیتی در جامعه معاصر ایران را رقم می‌زند.

منابع:

- روزنامه ایران. (۱۳۷۶/۶/۱۵). تهران: سال ششم، شماره ۱۵۶۰.
- روزنامه ایران. (۱۳۷۹/۱۰/۲۱). تهران: سال ششم، شماره ۱۷۱۵.
- روزنامه ایران. (۱۳۷۹/۱۱/۱۷). تهران: سال هفتم، شماره ۱۷۳۶.
- صوفی مجیدپور، مسعود. (بهار ۱۳۸۲). روند شاخص‌های اجتماعی ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. گروه پژوهشی رفاه اجتماعی. سال سوم. شماره ۱۲.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۳). جنسیت و مشارکت: درآمدی بر جامعه‌شناسی مشارکت زنان ایرانی. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. چلپ دوم.
- محمدی اصل، عباس. (خرداد. مرداد ۱۳۸۲). موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران پس از انقلاب. ماهنامه ناقد. تهران. سال اول. شماره سوم.
- مدنی، سعید. (بهار ۱۳۸۲). سرآغاز. فصلنامه رفاه اجتماعی. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. گروه پژوهشی رفاه اجتماعی. سال سوم. شماره ۱۲.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۶۸-۸۰). اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران. تهران: بانک داده‌های شاخص‌های بانک جهانی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۹). سالنامه آماری ایران. تهران: مرکز آمار ایران.

رو به رشد نهاد و از طرفی شاخص‌های مربوط به آسیب‌های زنان نیز فزونی گرفت. با این وجود اما آرایه این شاخص‌ها که قاعدتاً بدون خواست قدرت ناممکن بود؛ از یک سو به عنوان معیار کارآمدی نظام در عرصه توسعه جنسیتی به نمایش بین‌المللی ملی گذاشته شد و از طرفی آسیب‌های جنسیتی آن نیز به حساب ناکارآمدی فرایند توسعه پایدار جهانی به منظور جریحه‌دار کردن وجدان جمعی ملی و همراه سازی شرمساری و حقارت اخلاقی جامعه در بر خورد منفعل با فرایند توسعه جنسیتی و لذا ایجاد روحیه مردم انگیزی توده‌ای در تحکیم خواست قدرت حاکمیت از حیث قدرت نمایی ملی در برابر تحولات بین‌المللی جهانی شدن گذاشته شد.

در مجموع به نظر می‌رسد نظام قدرت حاکمه در ایران پس از انقلاب به عنوان یکی از کنشگران استراتژیک فرایند جهانی شدن، چاره‌ای جز تحقق توسعه جنسیتی در جامعه معاصر ایران نداشت که این امر نیز نافی سلطه‌طلبی ناتا غیرمدنی آن بر عرصه‌های عمومی و خصوصی بود. لذا نظام مزبور ضمن پیگیری نوعی سیاست‌گذاری تجویزی برای تحقیق شاخص‌های توسعه جنسیتی در راستای همراه نشان دادن خود با فرایند جهانی شدن بین‌المللی، در سطح ملی اما کوشید برای تداوم سلطه اخلاقی خویش، آسیب‌های وارده به قشر زنان در این فرایند را نه نتیجه طبیعی حضور آنان در جامعه یا ناکارآمدی مدیریتی خود یا نوعی جریان اعتراضی

مدنی به شکل هنجاری - ارزشی تنفیذ و تعهد می‌کند. مع‌هذا نظام قدرت در ایران معاصر به عنوان یکی از آخرین جلوه‌های حاکمیت آسمانی در تاریخ بشر که می‌کوشید برای حفظ حاکمیت خویش، پیوندهای فقهاتی را از نظام در حال زوال فلاحتی بریده و آنها را با تعهدات و الزامات مدنی عصر صنعت و شهرنشینی گره بزند؛ به شکل منفعل تحت تاثیر فرایندهای جهانی شدن و از جمله جریان تفکیک پذیری تعلقات جنسیتی قرار گرفت و به عبارتی برای استمرار حیات دنیوی خود چاره‌ای جز این ندید که

چرا نسبت افزایش میزان خودکشی زنان با بهبود شاخص امید به زندگی آنها ناهمخوان است؟

ناگزیر در تحقق توسعه ملی، خویش را فعال نشان داده تا مگر به عهده گرفتن مدیریت اجرایی توسعه ملی، باعث تحکیم بین‌المللی پایه‌های حضور ملی آن شود. تحت این شرایط تبدیل نظام آسمانی ایران به یکی از کنشگران استراتژیک صحنه جهانی شدن، دو پیامد در عرصه توسعه جنسیتی به همراه آورد. از یک سو شاخص‌های توسعه جنسیتی مانند نرخ تحصیل، اشتغال و درآمد زنان طی این سالیان